



IRISEKAI



T.me/IriSekai



Instagram.com/IrisSekai

مترجم: Ashley

کلیئر: Yuan hua

تایپیست: Emmy



مثل آدم  
اعتراف کردی  
یا نه؟





ناموسا...  
بهش نگفتی...؟





مچھوڑی  
یادم رفت؟

مچھوڑی یاد دے رفت؟ واقعی؟ نہ، واقعی  
نمیدونم چرا یئون وو باہات ازدواج کردہ.  
بہ نظرم باید دنبال یکی دیگہ بگرده.

مچھوڑی بہ  
ڈھنم نرسید؟

ھیون کی  
جون.





هان؟





하하



ممنونم.

اگه کارم بگیره،  
از فردا دیگه  
داشمنی به مولا.

하하





تکد!



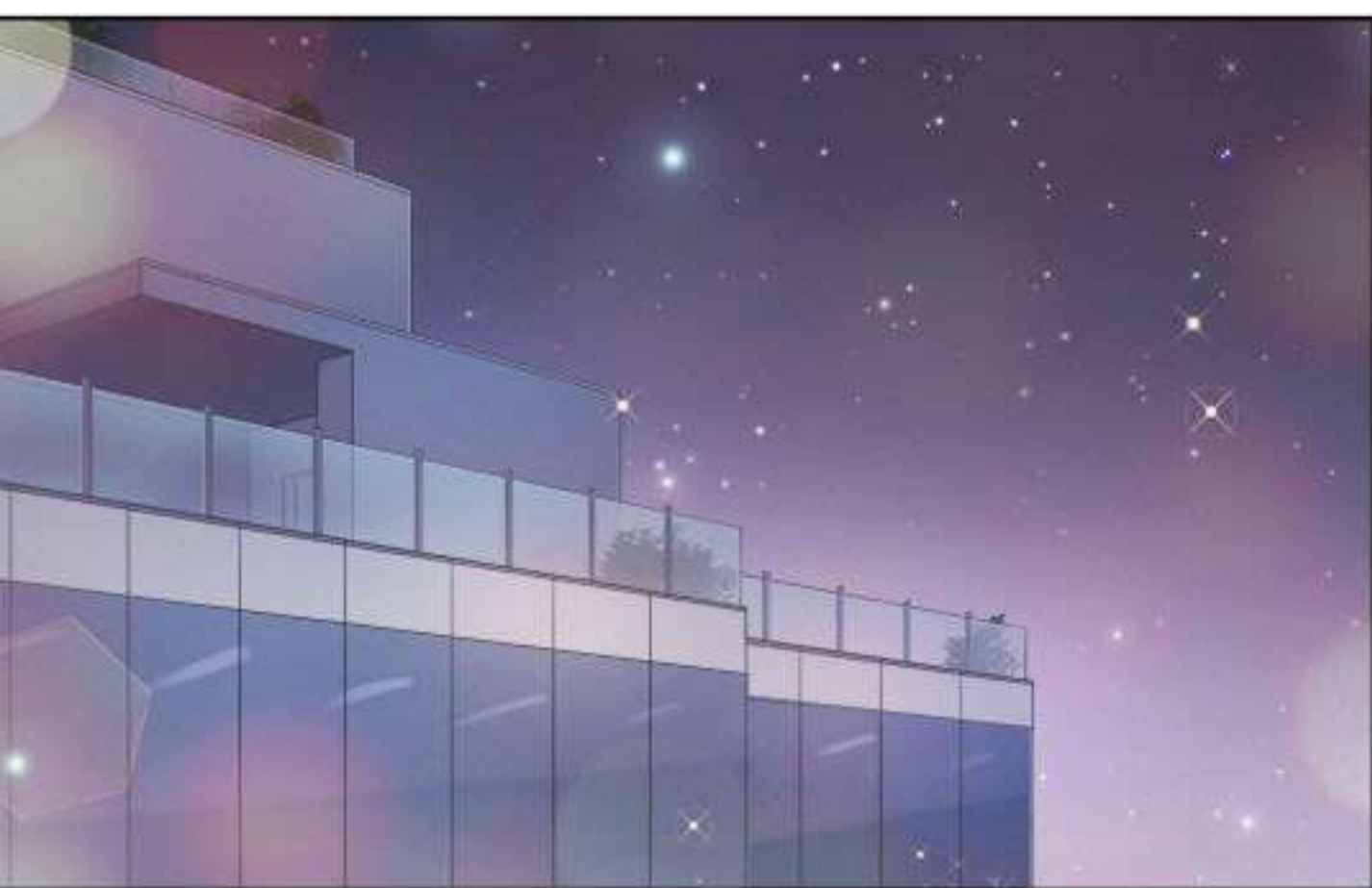




반드시  
해피엔딩♡



각색 불사 그림 재림  
원작 플아다

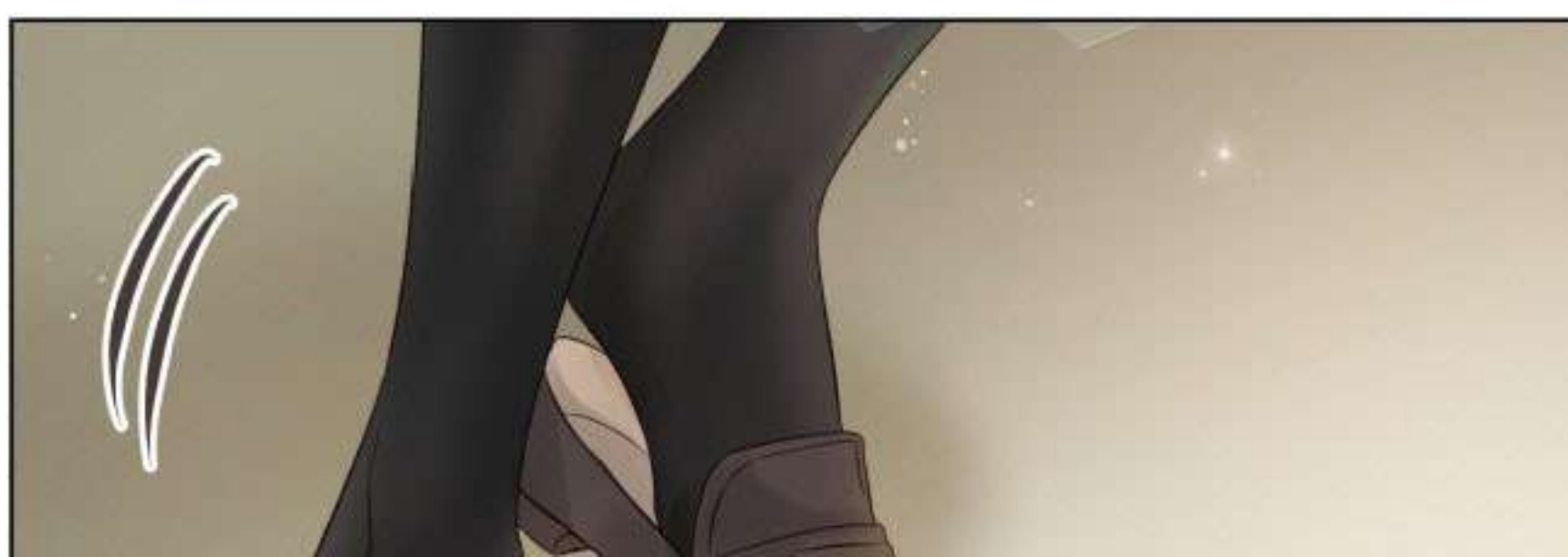




الآن، اين چه  
چور عشقيه،  
يئون وو؟











فَعَلَا يَذَار  
سَوْنِيَه زَنْد گِيَشُو  
يَكْنَه.





زندگی کنه و  
عشق کنه.

رسیدی؟









زود اومدی.

فکر کردم  
دیرتر میای.





اوہ...ہ



ایں دیگہ  
چیہ...؟







Before

این... این  
کارا واسه  
چیہ؟









بیا،  
نگاه کن.



چرا یهو پی  
داری این  
کارا رو میکنی؟





الآن داری پاهام لاس  
میزنی که دوباره  
بتونی بهم دست پزنی؟

این اسمش پاچیراعه.  
با اینکه اونقدر نور  
نمیخواد ولی برگاش  
خوب رشد میکنه.





این  
موسکاریه.







مثل انگور  
شکوفه‌ش بنفشه،  
ولی زیاد رو  
گیاه میمونه.

پ.ن:  
شکوفه رو میله.

این یکی  
شبییه یاقوته،  
نه؟







این کار اسوله.  
این دییه.  
اینم بگمودانه.

همشون شیپیه  
همن که...

0  
0





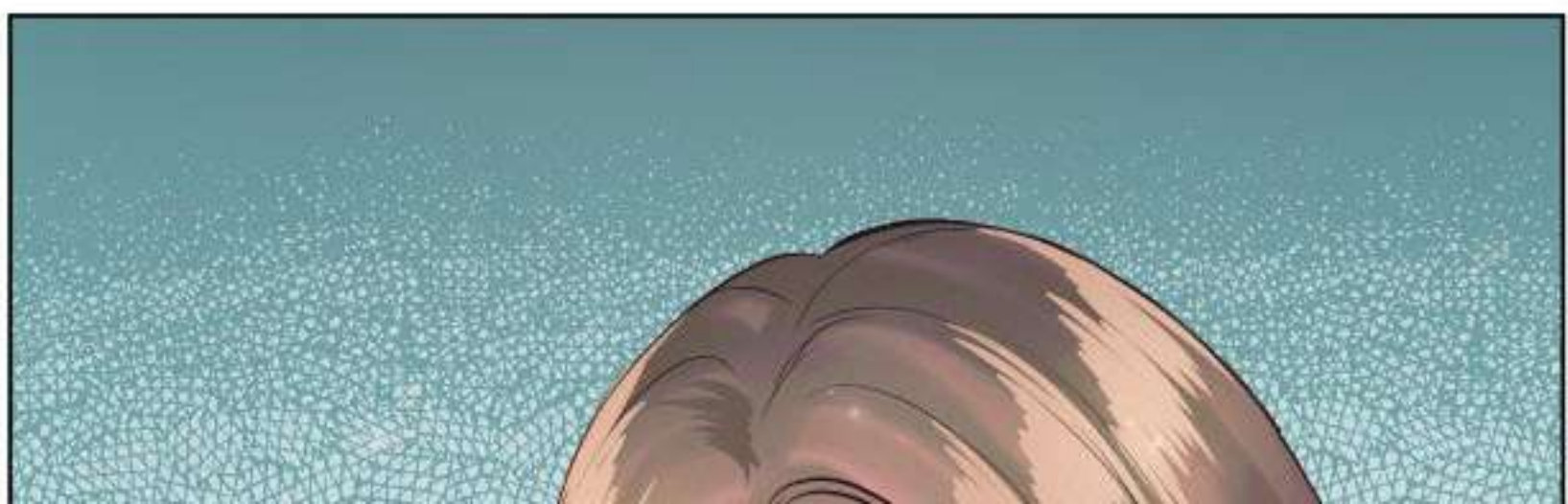




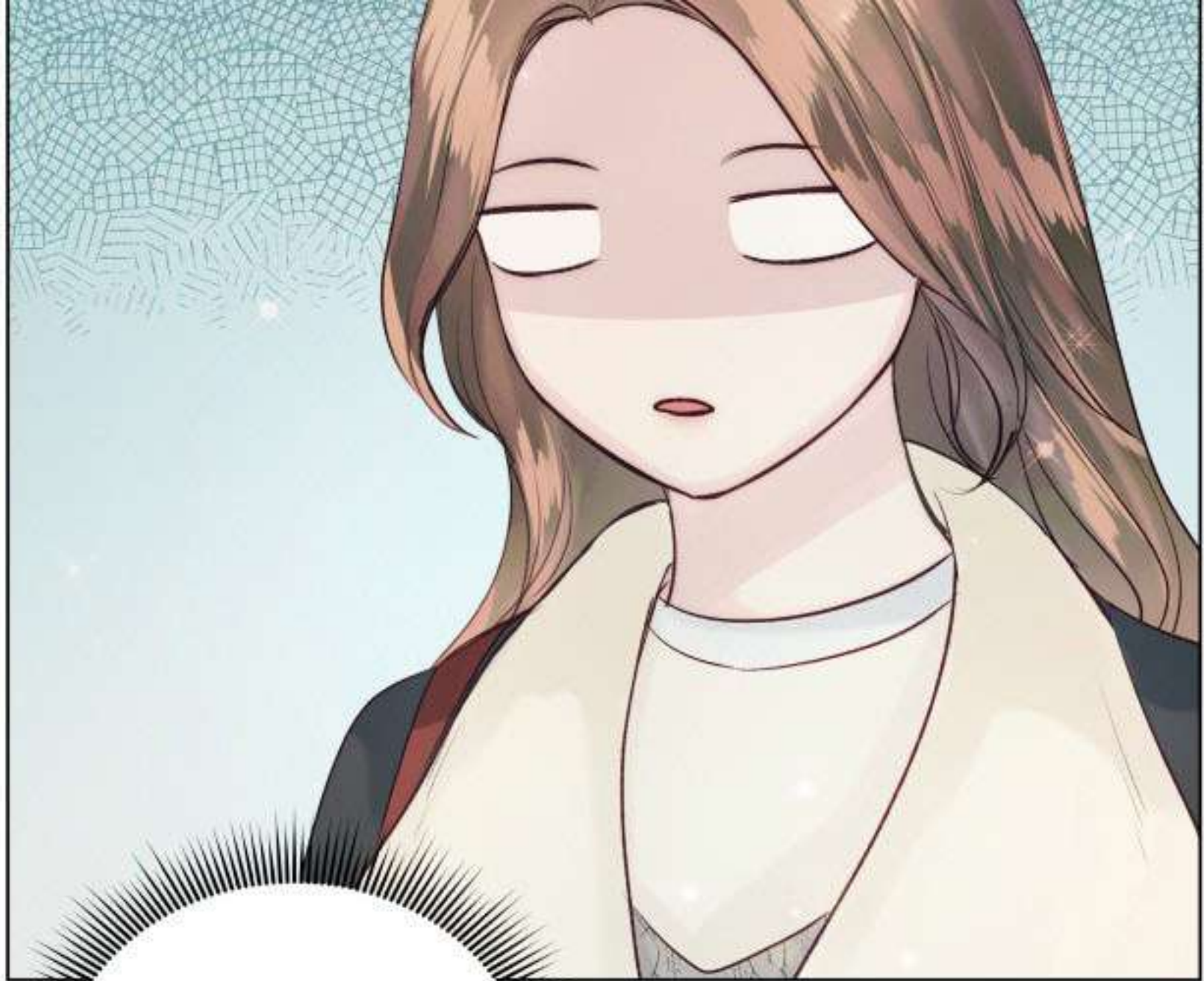


و اینم  
فورسیتیاچه.

اگه درست بکاریش،  
تو بهار گل میدہ.







... که اینطور.

این جوانه ی  
لویاست.







사랑

اینا چیشون  
شبیہ همه؟  
اگہ گفتی.





...نمیدونم والا.

چیزایی  
که تو  
دوست داری.







من  
دوستتون  
دارم؟







ولی پیشتر شو نو  
پرای اولین باره  
که میپینم...

با سرزندگی  
زیاد.





آهان... سرزندگی.

یه گونه ای هست  
به اسم 'زیبا'.  
برگ های خیلی  
مرتبی داره.



اگه بر گاشو  
بذاری تو خاک،  
خیلی زود  
رشد میکنه.



چقدر سرزنده.



همینو  
برمیدارم.

تو وقتی که به  
هدیه ی خوشگل  
گرفتمو یادت میاد.





ممنونم.  
الان خونه  
خیلی دل باز  
تر شده.





خوشت  
نیومد؟

نه. ممنونم و  
خیلیم خوبه.







چجوری مراقب  
همه ی اینا باشم؟

این گوگولیا قراره  
کل خونه رو پر  
کنن، ولی سونبه تو  
خودت مشکلی با  
این قضیه نداری؟



اگه تو  
مشکلی نداری...



آخ!

~!!!







خوبی؟

...من خوبم.  
چیزی نیست...  
چیزی نیست.







پاتو بده  
به من.  
زود باش.









درد میکنه؟



نه...

قبول کن که درد  
داری، الکی خودتو  
قوی نشون نده.

اسم این  
کاکتوسه چیه؟







ماميلاريا  
بکبرجيا؟



ماميلاريا  
بکبرجيانا.



چه اسم  
سختیم داره  
لامصب.

شبیهِ یه  
آناناس  
تیغ تیغیه.

ای گل

ای گل

نامصب رو من  
پا گذاشتی...

شبیهِ سونبه ی  
دو سال پیشه.  
واقعا ازش  
بدم میاد.





حتی غر  
زدنتم نازه.



دیگه خوب  
شده. ممنون.

ممکنه تیغاش  
هنوز تو  
پات باشه.







نیازی هست  
بری بیمارستان؟











...راستی، داشتم  
درباره ی دیروز  
فکر میکردم.







اتفاقی که ۲۰  
سال پیش افتاد.

راستشو بخوای،  
بعد اون دیگه  
دلم نمیخواست  
که با کسی  
دوست بشم.







احساساتمو  
پس زدم.

اگه ببینم ذهنم  
به هم ریخته‌س

میتونم دوباره  
فکرامو رو هم  
بذارم و به یه  
نتیجه ای برسم.

احساس صدمه  
دیدن از مغز میاد.





وقتی آسیب میبینی،  
مغزت به سیگنال  
میفرسته و میگه  
که تو بیماری.

اینجوری که بهش  
نگاه میکنم، همون



پ. (ز.ج) : منظور ش  
آینه نه به این  
احساسات به چشم به  
بیماری نگاه میلند  
و کلا از موضوع دور میشه  
چون این به  
عکس العمل طبیعی  
بدن در برابر دستور مغزه.

احساساتی هم که  
دارم کمرنگ میشه.

ممکنه نتونم  
مثل بقیه ابراز  
احساسات کنم،



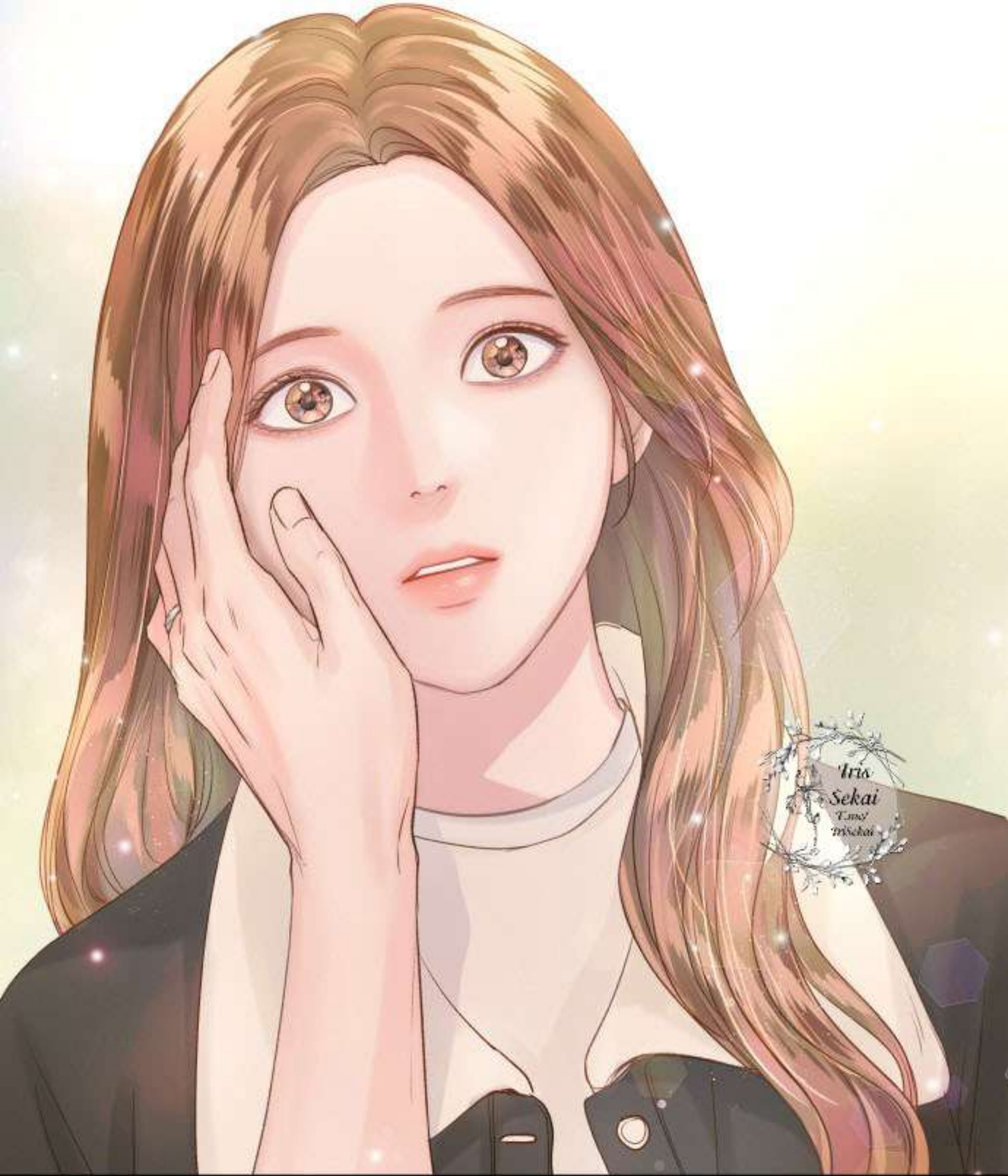


اما دارم کلی  
تغییر میکنم.



در آینده حتی  
بیشترم تغییر  
میکنم.







چون

تو منو  
درست  
میکنی.







وقتی به تو  
فکر میکنم،  
دیگه دردی  
احساس  
نمیکنم.







من هم عصبانيم،





هم بامزه ام،







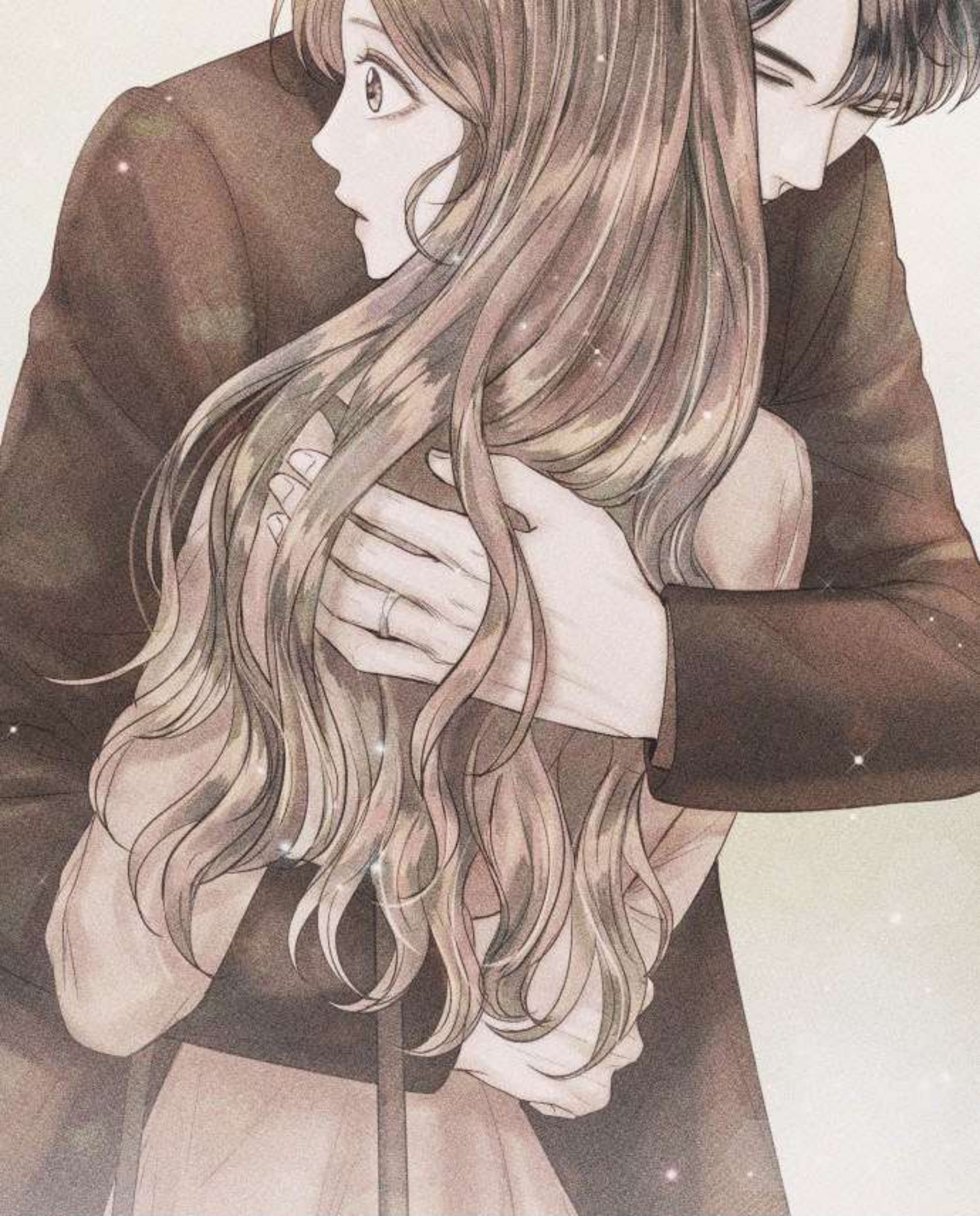
هم ترسناک،



خیلی هم  
خسته ام.







و الان دوباره  
خوشحالم.





اگه دوست داشتن  
یه نفر این شکلیه،







پس من  
خیلی وقته  
دوستت دارم.







این احساس  
من به توعه.

نه بیشتر نه کمتر.









از اولشم همین  
جوری بوده.





جوین شدن  
تو چنل لایک و  
کامنت یادت نره